نقد نظر
شماره دوم
مرداد و شهریور ماه ۱۴۰۴
۲۸

برگردان «Resilience» در زبان فارسی

مرتضی همتی
دکتری معماری منظر، ایران

چکیده

رزیلینْس (Resilience) به عنوان مفهومی نوین، در دهۀ اخیر به یکی از پرتکرارترین واژگان در ادبیات پایداری بدل شده است. با بحرانی شدن ارتباط «انسان» و «محیط» در دهه‌های اخیر و متعاقب آن با فزونی چالش‌های زیست‌محیطی انسان در قرن حاضر، این مفهوم در علوم مختلف توسط اندیشمندان گسترش یافته و به یکی از مفاهیم کلیدی در عموم عرصه‌های علمی امروز بدل شده است. با افزایش کاربرد این مفهوم در حوزه‌های مختلف، این واژه در ادبیات‌فارسی نیز با برگردان «تاب‌آوری» معرفی و با توجه به اهمیت، به اصطلاحی رایج بدل شده است. با این‌حال، این مفهوم که به مثابه تعبیری متفاوت از رابطۀ انسان و محیط طرح شده و رویکردی جدید را برای بقای هر دو مولفۀ این ارتباط پیشنهاد می‌کند که بیش از آن‌که مبتنی بر توانایی «مقاومت کردن» باشد، بر توانایی «تطبیق یافتن» و «سازگار شدن» استوار است. با توجه به اینکه برگردان مصطلح «تاب‌آوری»، به نظر می‌رسد بیش‌تر مبتنی بر توانایی مقاومت باشد تا سازگاری، این نوشتار در پی آن است که با کاوش در مفهوم رزیلینس به تبیین معنای آن بپردازد و پس از آن با بررسی معنای واژۀ تاب‌آوری و سنجش هم‌خوانی مفهومی این برگردان، ارزیابی از تناسب این ترجمه با معنای موردنظر به دست دهد. علاوه بر آن جستار در دست می‌کوشد تا از بررسی معنای رزیلینس به برگردانی پیشنهادی که به تدقیق موضوع منجر شود، دست یابد. یافتۀ این پژوهش بیانگر آن است که «تاب‌آوری» با آخرین تحولات رویکرد رزیلینس در تضاد است و به نظر می‌رسد واژۀ «سازگاری» ظرفیت بیش‌تری برای بیان معانی آن دارد.

واژگان کلیدی: زبان فارسی، ترجمه، سازگاری، تعریف، پایداری.

DOI: 10.22034/JCR.1.1.4.1.2.28
Email : hemmati.m@ut.ac.ir
نشریه مکتب نقدنظر، ۱ (۲): ۳۳-۲۸ تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۳/۲۵ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۵/۲۰ تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۰۶/۱۰

[Downloaded from jcr-sj.com on 2026-11-03]
[DOI: 10.22034/JCR.1.1.4.1.2.28]

آیا واژۀ تاب‌آوری ترجمۀ دقیقی برای عبارت Resilience است؟

مقدمه و بیان مسئله

واژۀ رزیلیِنْسْ - یا آن‌طور که ترجمه شده تاب‌آوری- یکی از مهم‌ترین و البته پرتکرارترین واژگانِ علمی در دهۀ اخیر است که با جدی‌تر شدن بحران‌های زیست محیطی بیش از گذشته اهمیت یافته‌است (همتی، ۱۳۹۹، ۳۹؛ سبکرو و همکاران، ۱۴۰۱، ۳۰-۳۱). دایان دیویس جامعه‌شناس آمریکایی در وصف مقام قدیس گونۀ این کلیدواژه در ادبیات قرن معاصر آن را به «رمزِ شبِ» دوران ما تشبیه کرده که به معیار سنجش سره از ناسره بدل شده‌است (Davis, 2015, 58) و با ظهورش نقشی مشابه واژۀ «پایداری» در سدۀ گذشته ایفا می‌کند که در زمان ظهور به سرعت تبدیل به واژۀ کلیدی پژوهش‌های مختلف بدل شد و راهش را به سمت علوم متفاوت گشود (Holling, 1973; Tusaie and Dyer, 2004; Perrings, 2006; Rose, 2007; Downes et al., 2013; Brown, 2016; Brown and Williams, 2015; Quinlan et al., 2016; Folke, 2016). به طور طبیعی، اهمیت این مفهوم به اندازه‌ای بود که به زبان فارسی ترجمه شود و به ادبیات علمی کشور ورود نماید. به نظر می‌رسد که این مفهوم برای نخستین بار از طریق ترجمۀ متون حوزۀ روان‌شناسی - این مفهوم یکی از مباحث مهم روان‌شناسی امروز است- تحت عنوان عبارت «تاب‌آوری» ترویج یافت و پس از آن وارد ادبیات معماری و شهرسازی فارسی‌زبانان نیز شد[1] (همتی، ۱۳۹۴، ۷۹). واژگانی مانند معماری تاب‌آور، شهرسازی تاب‌آور، برنامه‌ریزی تاب‌آور و... در عنوان همایش‌ها، مقالات، بیانیه‌ها و... چنان گسترده شد که با بدل شدن به «عادتی زبانی» اکنون به عنوان اصطلاحی رایج شناخت می‌شود. با این حال، اگر بپذیریم که یکی از مهم‌ترین عناصر هویتی «تعریفِ یک مفهوم» که نخستین حلقۀ ارتباطی میان مخاطب و معنای آن را شکل می‌دهد، «عنوان» آن است (منصوری و همتی، ۱۳۹۹، ۹-۱۰)؛ با توجه به اهمیت این مفهوم در دانش معاصر ضروری است که انطباق واژۀ تاب‌آوری با معنای علمی آن را مورد سنجش قرار دهیم.

بدنه نقد

اما مفهوم رِزیلیِنْسْ به چه می‌پردازد؟ واژۀ رزیلینس، در زبان انگلیسی اغلب به مفهوم «بازگشت به گذشته» به کار می‌رفت که خود از ریشۀ لاتین Resilio به معنای «برگشت به عقب» گرفته شده بود (Pickett et al, 2004). اصطلاح «تاب‌آوری» برای اولین بار توسط هولینگ (۱۹۷۳) در علم اکولوژی به عنوان «توانایی یک سیستم برای جذب شوک‌ها، تغییرات و اختلالات در حالی که عملکرد سیستم باقی بماند» تعریف شد (Holling, 1973). فولک نیز معتقد است که مفهوم تاب‌آوری به معنای توانایی و پایداری سیستم در مواجهه با آشفتگی‌ها و قابلیت سیستم در توسعه با وجود تغییرات و آشوب‌هاست (Folke, 2016). بر اساس مجموع آراء صاحب‌نظران، تاب‌آوری را می‌توان به عنوان توانایی یا ظرفیت یک سیستم در مواجهه با

[Downloaded from jcr-sj.com on 2026-11-03]
[DOI: 10.22034/JCR.1.1.4.1.2.28]

اختلالات و آشوب‌ها در نظر گرفت و آن را اصطلاحی دانست که در برابر «مقاومت» پا به عرضه ظهور گذاشته است. اما این واژه در علم دچار تحولاتی جدی شد که فهم معنای آن در بحث ضروری‌ست. در ابتدا این مفهوم به عنوان «قابلیت یک سیستم برای بازگشت به حالت ثابت نقطهٔ تعادل، پس از وارد شدن اخلال» عنوان می‌شد. اما به مرور، معنای آن متحول شد و به «توانایی یک سیستم برای سازگاری و تطبیق با پروسهٔ درونی یا بیرونی دگرگونی» تبدیل شد که تأکید در آن بر حفظ کردن یا رسیدن به یک نقطهٔ پایانی نیست بلکه باقی ماندن و به اصطلاح «ماندن در بازی» هدف است (بهرامی و همتی، ۱۳۹۹، ۴۲). موضوع بسیار مهم آن است که پژوهش‌گران، به طور آشکار رزیلینس را فصلی جدید از «پایداری» می‌دانند که در برخی از رویکردهای آن با نگاهی انتقادی بازنگری جدی شده است. به بیان ساده‌تر رزیلینس را باید در امتداد مفهوم پایداری و نتیجهٔ تجربه‌های عملیِ راهبردهای آن در چندین دههٔ گذشته دانست که خود با تأسی از «نظریهٔ آشوب» و «نگرش سیستمی» منجر به شکل‌گیری رویکرد نوینی شدند که امروزه با نام رزیلینس می‌شناسیم (همتی، ۱۳۹۴، ۷۷). برای مثال در اساس رویکردهای پایداری عموماً مبتنی بر مقاومت و استحکام سیستم در برابر تنش‌های بیرونی است، درحالی‌که راهبرد رزیلینس، به جای «تحمل کردن» فشار بیرونی، در پی تطبیق و سازگاری با آن است. به عبارت دقیق‌تر پیشرفت و برتری این رویکرد نسبت به پایداری در «سازگاری» بیشتر با شرایط بحران است. بنابراین عنوانی برای آن درنظر گرفته می‌شود نیز، باید توانایی انتقال این مفهوم را داشته باشد (جدول ۱).

اکنون سؤالی که به ذهن می‌آید آن است که آیا واژهٔ «تاب‌آوری» که در زبان فارسی رایج شده‌است، توانایی آن را دارد که مفهوم آورده شده را به درستی ارائه کند؟ برای پاسخ به این پرسش طبعاً باید معنای مصدر «تاب‌آوردن» را در زبان‌فارسی بررسی نمود. لغت‌نامهٔ دهخدا بیان می‌کند که «تاب‌آوردن» خود مصدر مرکبی‌ست که از جمع «تاب» و «آوردن» شکل گرفته که در این لغت‌نامه با معنای «صبر»، «مصابرت»، «صابری»، «صبوری کردن» و «شکیبا بودن» معادل شده است. همچنین «تاب» خود از مصدر «تابیدن» است که در این لغت‌نامه با «تاب و طاقت آوردن» یا «تحمل کردن»، «متحمل شدن»، «تاب و تحمل داشتن» مترادف شده و لغت‌نامهٔ عمید نیز مشابه آن، این مصدر را «طاقت آوردن» و «بردباری داشتن» تعبیر کرده‌است. این در صورتی‌ست که معنای آورده شده درست برخلاف رویکرد رزیلینس است، یعنی همان راهبردهایی که این رویکرد درصدد مقابله و نفی آن است. برای فهم بهتر موضوع می‌توان به مثالی عملی از یکی از

در ادبیات علمی معاصر، «Resilience» نه به معنای مقاومت و تاب‌آوردن، بلکه به معنای سازگاری پویا با تغییرات و آشوب‌هاست. با این حال، ترجمه رایج آن به «تاب‌آوری» در فارسی، برداشت ایستایی و انفعالی را القا می‌کند که به جوهره این رویکرد در تعارض است.

جدول ۱. مقایسهٔ راهبردهای پایداری و سازگاری، مأخذ: همتی، ۱۳۹۴، ۷۷

معیارهای پایداری	معیارهای سازگاری
مقاومت کردن	*سازگار بودن*
کنترل نمودن	*تطبیق یافتن*
استحکام سازی	*انعطاف‌پذیری*
ایستایی	*پویایی*

[Downloaded from jcr-sj.com on 2026-11-03]
[DOI: 10.22034/JCR.1.1.4.1.2.28]

نمونه‌های شناخته شده در منظر اشاره نمود: پارک یانویژو واقع در شهر ژینهوا چین. مکان پروژه در محل تلاقی دو جریان پویای آب ساخته شده که سال‌ها به دلیل طغیان‌های فصلی با رویکردهای مبتنی بر «استحکام» سازی و ایجاد «مقاومت»، با ساخت سد، حاشیه‌سازی و جداره‌های طویل در مقابل رودخانه - به مثابه یک «تهدید» - از زندگی شهروندان حذف شده بود. اما با بالا رفتن سطح آب - به دلیل تغییرات اقلیمی- و در هم شکستن راهبردهای مبتنی بر مقاومت، رویکرد رزیلینس در برابر سیلاب در اتخاذ شد که نه تنها عملکرد بهتری در برابر جریان پویای رودخانه به دست داد بلکه آن را به عنوان فرصتی زیباشناسانه در اختیار شهروندان قرار داد (تصویر ۱) (همتی، ۱۳۹۵، ۸۷). در این میان چه برگردانی می‌توان تصور نمود که به بهترین شکل بیانگر جوهرهٔ درونی این مفهوم باشد؟ به زعم نگارنده عنوان صحیح‌تر برای این مفهوم می‌تواند واژهٔ «سازگاری» باشد که اشاره‌ای به این امر است که سیستم «به جای آنکه بر توانایی‌های ایستایی‌اش تمرکز نماید، ویژگی‌هایش در بازخوردگیری سریع از محیط به جهت انطباق بیشتر با شرایط را توسعه می دهد» (Ahern. 2011).



تصویر۱. پارک یانویژو واقع در شهر ژینهوا چین. معمار از ایدهٔ سازگاری جهت ایجاد کیفیت‌های متنوع منظرین در طول سال بهره برده‌است. پیش‌تر با ایجاد دیواره‌هایی طویل و حاشیه‌سازی‌های اطراف رودخانه سعی در مهار پویایی این رودخانه می‌شد اما با پیشنهاد استودیو تورنسکیپ، دیواره‌ها برداشته شد و تلاش شد با رویکردی اجتماعی-زیبایی‌شناسانه از کیفیت طبیعی رودخانه استفاده شود.
ماخذ: Kongjian Yu, ۲۰۱۵

[Downloaded from jcr-sj.com on 2026-11-03]
[DOI: 10.22034/JCR.1.1.4.1.2.28]

چنان‌که به نظر میروی و همکارانش تاب‌آوری شهری «به توانایی یک سیستم شهری و کلیهٔ شبکهٔ اکولوژیکی-اجتماعی و تکنیکی-اجتماعی سازنده‌اش در مقیاس‌های زمانی و مکانی اطلاق می‌شود که در مواجهه با آشوب‌ها، اقدام به حفظ عملکردهای مطلوب یا بازگشت سریع به آنها می‌کنند» (Meerow et al, 2016). این تعریف نیز بر پویایی تاب‌آوری شهر تأکید دارد و معتقد است که شهر نیازمند یک رویکرد « انطباق‌پذیر» در راستای افزایش توانایی اجزای آن در مواجهه با آشوب‌هاست (بهرامی و همتی، ۱۳۹۹، ۴۳). در اساس، واژهٔ «سازگاری» در ذهن فارسی‌زبانان به معنای همراهی و تغییر متناسب با شرایط جدیدی که مستمراً رخ می‌دهد، استفاده می‌شود. این حالت به هیچ وجه سکون و انتظار برای رفع بحران نیست بلکه حرکتی پویا در جهت هم‌نوایی با وضعیت جدید است. به عبارت دیگر، در این نگرش هم‌سویی با وضعیت جدید برای سیستم شکست محسوب نمی‌شود، در حالی‌که تاب‌آوردن در ذهن نوعی مقاومت پنهان را متبادر می‌کند که پس از رفع بحران بلافاصله فاعل را به حال اولیه برمی‌گرداند. به بیان دیگر، سازگاری از پذیرش و هضم تغییر در ساختار سیستم صحبت می‌کند، تاب‌آوری از پذیرش بحران در کوتاه‌مدت و انتظار برای پایان آن حرف می‌زند. چنان‌که لغت‌نامهٔ دهخدا نیز این واژه را برابر مفاهیمی چون «با موافقت»، «اجابت کننده و قبول کننده»، «موافقت کارها»، «سازواری»، «سازندگی»، «سازش»، «وفق»، «وفاق»، «توافق»، «حسن سلوک» و «آنکه صاحب فکری صلح جو است» دانسته است. دیگر فرهنگ‌ها نیز از واژگان دیگری چون «موالفت»، «مماشات»، «هم‌آوازی»، «هم‌آهنگی»، «هم‌خوانی»، «هم‌نوایی» و «خرسندی» نیز استفاده کرده‌اند که همه بیانگر میل و اشتیاق درونی برای هم‌سویی با تغییر است.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

همان‌طور که آورده شد، یکی از مهم‌ترین عناصر هویتی تعاریف، وجه «تسمیه» یا «عنوان» آنهاست. علی‌رغم آن‌که عنوان برابر با تعریف نیست، اما نخستین و شاید مهم‌ترین کنش ارتباطی را میان مخاطب و مفهوم ایجاد می‌کند و خود واجد بخشی از کلیتی مفهومی‌ست که در ذهن مخاطبان -به خصوص مخاطبان عام- ایجاد می‌گردد. از سویی برای پژوهشگران و صاحب‌نظران این حوزه نیز عدم تطابق عنوان و مفهوم یک تعریف امری خطرناک است که می‌تواند موجب ابهام و تکثر معنا در میان متخصصین نیز گردد. خاصه آن‌که در این مورد با یکی از مهم‌ترین و حساس‌ترین مفاهیم در دانش معاصر مواجه هستیم که کج‌فهمی آن می‌تواند پیامدهای وسیعی داشته باشد. چنان‌که اشاره شد، واژهٔ تاب‌آوری برگردان دقیقی از جوهرهٔ مفهومی رویکرد رزیلینس نیست و با اصلی‌ترین راهبرد این رویکرد در تعارض است: رزیلینس نه به دنبال تحمل و مقامت بلکه در پی هم‌نوایی و انعطاف در برابر تنش‌ها و نیروهایی است که بر سیستم وارد می‌شود. چنان‌که آورده شد، به نظر می‌رسد واژهٔ «سازگاری» معنای نزدیکتری نسبت به هستهٔ درونی این مفهوم را به دست می‌دهد و برگردان مناسب‌تری برای مخاطبان فارسی‌زبان است. امید است این یادداشت بتواند پژوهشگران و اندیشمندان این حوزه را به بحث و بازبینی در مورد این واژه که با گذر ایام بیشتر و بیشتر رواج می‌یابد و تبدیل به عادت زبانی مستحکم‌تری می‌شود، ترغیب نماید. چنان‌که اگر باور داشته باشیم، که شناخت چالش بخشی از مسیر برطرف نمودن آن است، ایجاد برگردانی دقیق‌تر که توصیف بهتری از مفهوم به دست دهد نیز می‌تواند قدمی مؤثر در مسیر دست‌یابی به «سازگاریِ» بیشتر باشد.

[Downloaded from jcr-sj.com on 2026-11-03]
[DOI: 10.22034/JCR.1.1.4.1.2.28]

پی‌نوشت

۱. تاب‌آوری در علم اکولوژی توسط هولینگ در رابطه با علم اکولوژی معرفی شد (Holling, 1973) و پس از آن تاب‌آوری در علوم و زمینه‌های مختلفی از جمله ژئومورفولوژی، مدیریت منابع طبیعی، اقتصاد، علوم اجتماعی، اجتماعی-اکولوژیکی، توسعه بین المللی، روانشناسی و مدیریت خطر طبیعی توسط اندیشمندان رشته‌های مختلف تعریف و مفهوم‌سازی شد (Holling, 1973; Tusaie and Dyer, 2004; Perrings, 2006; Rose, 2007; Downes et al., 2013; Brown, 2016; Brown and Williams, 2015; Quinlan et al., 2016; Folke, 2016).

منابع

- بهرامی، فرشاد.، همتی، مرتضی. (۱۳۹۹). منظر تاب‌آور: مفهومی غیرمنظری، بررسی و ارزیابی تعاریف موجود در حوزهٔ تاب‌آوری منظر، مرور فشردهٔ ادبیات نظری. منظر، ۱۲(۵۰)، ۴۰-۴۹.
- منصوری، سید امیر.، همتی، مرتضی. (۱۳۹۹). ارزیابی تعابیر پژوهشگران فارسی‌زبان در بیان مفهوم سازمان فضایی شهر. باغ نظر، ۱۷(۹۲)، ۵-۱۸.
- همتی، مرتضی. (۱۳۹۴). سازگاری؛ رویکرد طراحی در محیط آشوبناک. منظر، ۷ (۳۲): ۷۴-۸۱.
- همتی، مرتضی. (۱۳۹۵). زیبایی‌شناسی پایداری؛ نسبت زیبایی با پایداری محیط. منظر، ۸(۳۵)، ۸۲-۸۹.
همتی، مرتضی. (۱۳۹۹). تبیین الگوی شناختی گردشگری روستایی با رویکرد منظر. گردشگری فرهنگ، ۱(۲)، ۳۹-۴۶.
- سبکرو، دلارام.، همتی، مرتضی.، متدین، حشمت الله. (۱۴۰۱). قیاس و ارزیابی مبانی رابطهٔ انسان و طبیعت در دانش اکولوژی و منظر. منظر، ۱۴(۶۰)، ۳۰-۳۷.
- Ahern, J. (2011). From fail-safe to safe to fail: sustainability and resilience in new urban world, Landscape and urban planning. 100 (4): 341-353.
- Brown, ED. & Williams, B. K. (2015). Resilience and resource management. Environmental Management , (56), 1416-1427.
- Brown, K. (2016). Resilience, Development and Global Change . London: Routledge.
- Davis, D. E. (2015). From risk to resilience and back, Topos, 2015(90): 57-59.
- Downes, B. J., Miller, F., Barnett, J., Glaister, A. & Ellemor, H. (2013). How do we know about resilience? An analysis of empirical research on resilience, and implications for interdisciplinary praxis. Environmental Research Letters, 8(014041), 1-8.
- Folke, C. (2016). Resilience (republished). Ecology and Society, 21(4), 44.
- Holling, C. S. (1973). Resilience and stability of ecological systems annual. Review of Ecology and Systematics , (4), 1-23.
- Pickett, S., Cadenasso, M., Grove, J. M. (2004). Resilient cities: meaning, models, metaphor for integrating the ecological, socio-economic, and planning realms, Landscape and urban planning, 69 (4): 369-384.
- Meerow, S., Newell, J. P. & Stults, M. (2016). Defining urban resilience: A review. Landscape and Urban Planning, (147), 38-49.
- Perrings, C. (2006). Resilience and sustainable development. Environment and Development Economics , (11), 417-427.
- Quinlan, A. E., Berbés-Blázquez, M., Haider, L. J. & Peterson, G. D. (2016). Measuring and assessing resilience: broadening
- understanding through multiple disciplinary perspectives. Applied Ecology , (53), 677-687.
- Rose, A. (2007). Economic resilience to natural and man-made disasters: Multidisciplinary origins and contextual dimensions. Environmental Hazards, (7), 383-398.
-Tusaie, K. & Dyer, J. (2004). Resilience: A historical review of the construct. Holistic Nursing Practice , (18), 3-10.

COPYRIGHTS
Copyright for this article is retained bye the authors with publication rights granted to Journal of Critical Reviews (JCR); The Iranian Journal of Critical Studies in Place. This is an open access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution License (https://creativecommons.org/version4/)

[Downloaded from jcr-sj.com on 2026-11-03]

[DOI: 10.22034/JCR.1.1.4.1.2.28]